

پیام چهار
زیستن زندگی یک خدا-انسان
توسط زیستن در پادشاهی خدا
به عنوان قلمرو گونه الهی

خواندن متون مقدس: مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۳: ۳، ۵-۶؛ ۱: ۱۲-۱۳؛ ۲

پطرس ۱: ۴؛ ۱ یوحنا ۳: ۱؛ ۲: ۶

۱. از آنجا که ما از خدا متولد شده‌ایم، گونه خدا هستیم؛ یعنی ما در حیات و در طبیعت، ولی نه در خدایی، خدا هستیم - یوحنا ۳: ۳، ۵-۸.

۲. خدا-انسان‌ها حق الهی دارند که در گونه خدا شرکت کند - آ.آ. ۳، ۵-۶؛ ۱۸: ۳۶

۳. به عنوان ایمانداران به مسیح، ما زندگی یک خدا-انسان را زیست می‌کنیم - مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۱۴: ۱۷، ۲۰؛ رومیان ۸: ۸، ۹، ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۲۵:

آ. در مسیح، خدا در انسان، انسان در خدا، و خدا و انسان با هم آمیخته شده‌اند تا یک موجودیت باشند که خدا-انسان خوانده می‌شود - متی ۱: ۲۱، ۲۳؛ لوقا ۱: ۳۵؛ تیتوس ۲: ۱۳؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۵.
ب. خدا-انسان‌ها، پسران خدا، تکثیر و ادامه مسیح، اولین خدا-انسان هستند - یوحنا ۱۲: ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲۹.

پ. خدا-انسان کسی است که از خدا زاده شده و در حیات و طبیعت خدا سهیم است و در حیات و طبیعت خدا با او یک می‌شود و از این طریق او را ابراز می‌نماید - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۱۵؛ ۲ پطرس ۱: ۴؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷.

ت. خدا-انسان با خدا ساخته شده است، و خدا را به عنوان حیات، طبیعت و همه چیز خود دارد. یک خدا-انسان، انسان است اما خدا، و خدا است اما انسان - افسسیان ۳: ۱۶-۱۷.
ث. زندگی انسانی مسیح، انسان بود که خدا را زندگی می‌کرد تا صفات خدا را در فضایل انسانی ابراز کند، فضایی که پر، آمیخته و سرشار از صفات الهی بودند - لوقا ۱: ۲۶-۳۵؛ ۷: ۱۱-۱۷؛ ۱۰: ۲۵-۳۷؛ ۱۹: ۱-۱۰.

ج. به عنوان بازتولید و تکثیر اولین انسان-خدا، ما باید همان نوع زندگی را داشته باشیم که او زیست:

۱. زندگی خدا-انسان خداوند نمونه ای برای زندگی خدا-انسان ما برپا کرد - او مصلوب شد تا

خدا را زیست کند که خدا بتواند در انسانیت ابراز شود - غلاطیان ۲: ۲۰.

۲. خداوند عیسی زندگی‌ای از تلاش برای روحانی، مقدس و پیروز بودن، زیست نکرد؛ او زندگی‌ای را زیست که کاملاً مطابق و برای اقتصاد عهد جدید خدا بود.

۳. در چهار انجیل، عیسی را می‌بینیم که زندگی یک خدا-انسان را زیست می‌کند، و در اعمال، شاگردان را نیز می‌بینیم که چنین زندگی‌ای را زیست می‌کنند.

۴. مسیح زندگی‌ای پر از رنج، یک زندگی از رنج را زیست؛ اکنون ما شرکای او هستیم که همان نوع زندگی را زیست می‌کنیم؛ وقتی برای مسیح رنج می‌کشیم، رنج‌های ما توسط خدا به عنوان رنج‌های مسیح محسوب می‌شود - عبرانیان ۳: ۱۴.

۵. ما باید خود را انکار کنیم، با مرگ مسیح هم‌مشکل شویم، و او را با تأمین فراوان روحش بزرگ-نمایی کنیم - متی ۱۶: ۲۴؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ ۱: ۱۹-۲۱.آ.

۶. آن که زندگی یک انسان-خدا را زیست کرد، اکنون روح است که در ما و از طریق ما زندگی می‌کند؛ ما باید خودسازی و بناسازی انسان طبیعی خود را رد کنیم و به هیچ چیز دیگری جز

او اجازه ندهیم که ما را پر و اشغال کند تا بتوانیم او را به طور شخصی و جمعی در کلیسا، که بدن اوست، زندگی و ابراز کنیم - افسسیان ۳: ۱۶-۱۹؛ ۱: ۲۲-۲۳.

۴. به عنوان ایمانداران به مسیح، ما در پادشاهی خدا زندگی می‌کنیم - رومیان ۱۴: ۱۷:

- آ. پادشاهی خدا، خود خداست - مرقس ۱: ۱۵؛ متی ۶: ۳۳.
- ب. پادشاهی خدا، خدا در مسیح است که تمامیت حیات الهی با تمام فعالیت‌هایش است - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۴: ۶.
- پ. پادشاهی خدا، قلمرو حیات الهی است تا این حیات حرکت کند، کار کند، حکم براند و فرمانروایی کند تا حیات بتواند مقصودش را به انجام برساند.
- ت. پادشاهی خدا ارگانیک است که با حیات خدا به عنوان قلمرو حیات برای حکمرانی او تشکیل شده است، که در آن او با حیات خود سلطنت می‌کند و خود را به عنوان تثلیث الهی در حیات الهی ابراز می‌کند - ۱: ۱۵، ۸-۱، ۱۶، ۲۶.
- ث. پادشاهی خدا، قلمرویی است، نه تنها از سلطه الهی، بلکه از گونه الهی، که در آن همه چیزهای الهی وجود دارد - ۳: ۳، ۵-۶؛ ۱۸: ۳۶:
۱. در یوحنا ۳، پادشاهی خدا بیشتر به گونه خدا اشاره دارد تا به سلطنت خدا.
 ۲. خدا انسان شد تا وارد گونه انسان شود، و انسان در حیات و طبیعت، ولی نه در خدایی، خدا می‌شود تا وارد قلمرو گونه الهی شود - ۱: ۱، ۱۲-۱۴؛ رومیان ۸: ۳؛ ۱: ۳-۴.
 ۳. برای ورود به قلمرو گونه الهی، باید از خدا متولد شویم تا حیات الهی و طبیعت الهی داشته باشیم - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۳، ۵-۶، ۱۵؛ ۲ پطرس ۱: ۴:
- (آ) خدا انسان را نه مطابق نوع انسان، بلکه به صورت خود و به شباهت خود آفرید تا از نوع خدا، گونه خدا باشد - پیدایش ۱: ۲۶.
- (ب) ایمانداران، که از طریق تولد تازه از خدا متولد می‌شوند تا فرزندان او در حیات و طبیعت، ولی نه در خدایی او، باشند، بیشتر از آدم از نوع خدا هستند - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳:
۱. آدم فقط ظاهر بیرونی داشت بدون واقعیت درونی حیات الهی.
 ۲. ما، ایمانداران به مسیح و فرزندان خدا، واقعیت حیات الهی را داریم و در تمام وجودمان در حال تبدیل و همشکل شدن به صورت خداوند هستیم - ۲ قرنطیان ۳: ۱۸؛ رومیان ۱۲: ۲؛ ۸: ۲۹.
 ۳. تولد دوم ما، یعنی تولد تازه، باعث شد که ما وارد پادشاهی خدا شویم تا به گونه خدا تبدیل گردیم - یوحنا ۳: ۳، ۵-۶.
 ۴. ما تولد تازه یافتیم تا نوع خدا باشیم. به عنوان فرزندان خدا، ما نوع خدا، گونه خدا هستیم - رومیان ۸: ۱۹؛ عبرانیان ۲: ۱۰.
 ۵. همه فرزندان خدا، در قلمرو الهی گونه الهی هستند - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۳، ۵.
 ۶. ایمانداران، در گونه الهی، یعنی در پادشاهی خدا، خدا-انسان‌ها هستند - ۱ یوحنا ۳: ۱؛ آ: ۵.
- ج. ما در پادشاهی خدا به عنوان قلمرو حیات الهی، توسط حس حیات زندگی می‌کنیم - رومیان ۸: ۶.
- چ. در کلیسا، ما امروز در پادشاهی خدا زندگی می‌کنیم؛ رومیان ۱۴: ۱۷ اثبات محکمی است که زندگی کلیسای امروز، پادشاهی است.
- ح. وقتی آن بخش از وجودمان را که خلقت نو است - خود مسیح به عنوان عنصر پادشاهی خدا - تمرین می‌دهیم، در پادشاهی خدا زندگی می‌کنیم.

خ. غلبه کنندگان، پادشاهی مسیح و خدا را به ارث خواهند برد تا بتوانند وارد اظهار پادشاهی آسمان‌ها شوند - ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸.

۵. در انجیل یوحنا، جوانب بسیاری از زندگی ایمانداران در قلمرو گونه الهی را می‌بینیم - ۱: ۱۶؛ ۱۵: ۱۴، ۹، ۱۱؛ ۴: ۲۳-۲۴؛ ۲: ۲۰، ۲۳؛ ۱۷: ۲۲-۲۴:

- آ. «از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض» - ۱: ۱۶.
- ب. «آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد» - ۴: ۱۴ ب.
- پ. «کسی که مرا بخورد او نیز به من زنده می‌شود» - ۶: ۵۷ ب.
- ت. «اگر کسی مرا خدمت کند، مرا پیروی بکند و جایی که من می‌باشم، آنجا خادم من نیز خواهد بود. و هر که مرا خدمت کند، پدر او را حرمت خواهد داشت.» - ۱۲: ۲۶.
- ث. «در خانه پدر من منزل بسیار است... می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم» - ۱۴: ۲.
- ج. «در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما» - آ. ۲۰.
- چ. «اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت» - آ. ۲۳.
- ح. «در من بمانید و من در شما» - ۱۵: ۴ آ.
- خ. «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد» - آ. ۷.
- د. «همچنانکه که پدر مرا محبت نمود، من نیز شما را محبت نمودم؛ در محبت من بمانید» - آ. ۹.
- ذ. «این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل شود» - آ. ۱۱.
- ر. «بدین چیزها به شما تکلم کردم تا در من سلامتی داشته باشید؛ «سلامتی خود را به شما می‌دهم» - ۱۶: ۳۳؛ ۱۴: ۲۷ ب.
- ژ. «ای پدر قدوس اینها را که به من داده‌ای، به اسم خود نگاه دار تا یکی باشند، چنانکه ما هستیم» - ۱۷: ۱۱ ب.
- س. «جلالی را که به من دادی، به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم» - آ. ۲۲.
- ش. «من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند» - آ. ۲۳ آ.
- ص. «ای پدر می‌خواهم آنانی که به من داده‌ای با من باشند در جایی که من می‌باشم تا جلال مرا که به من داده‌ای ببینند.» - آ. ۲۴ آ.